

تأثیر مخارج اجتماعی دولت‌ها بر توسعه اقتصادی زنان

(با تأکید بر آموزش و سلامت)، در منتخبی از کشورهای آسیایی

صدیقه عطرکار روشن

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا

مریم نوریان*

کارشناس ارشد توسعه اقتصادی دانشگاه الزهرا

شمس‌الله شیرین‌بخش

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا

چکیده

مطالعات متعدد در زمینه توسعه انسانی نشان می‌دهد که دستیابی به توسعه پایدار بدون در نظر گرفتن توسعه اقتصادی اجتماعی زنان در عرصه‌های مختلف ممکن نیست. با توجه به شرایط زنان در جوامع در حال توسعه، اهمیت موضوع برای این دسته از کشورها پررنگ‌تر به نظر می‌رسد. با توجه به نقش کلیدی و بااهمیت دولت‌ها در ارتقاء سطح توسعه جوامع، تأثیر سیاست‌های مالی و مخارج اجتماعی دولت‌ها بر توسعه اقتصادی اجتماعی زنان می‌تواند تأثیری مثبت و جلوگیری‌کننده، به خصوص در جوامع در حال توسعه داشته باشد. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر مخارج اجتماعی دولت‌ها بر توسعه اقتصادی اجتماعی زنان با تأکید بر آموزش و سلامت در منتخبی از کشورهای آسیایی در حال توسعه، از جمله ایران طی سال‌های ۲۰۱۳-۱۹۸۰ است. بدین منظور از روش برآورد حداقل مربعات معمولی (OLS) کلیه معادلات برآورد شد. یافته‌های تحقیق بیان‌کننده آن است که به طور کلی مخارج اجتماعی دولت‌ها بر هر دو عامل سلامت و آموزش زنان در کشورهای در حال توسعه مطالعه‌شده تأثیر مثبت داشته است. همچنین مخارج اجتماعی دولت‌ها، در کشورهای در حال توسعه با شاخص توسعه انسانی (HDI) پایین‌تر، بر عامل سلامت تأثیر بیشتری داشته است.

واژگان کلیدی

سیاست مالی؛ مخارج اجتماعی دولت؛ توسعه اقتصادی زنان؛ شاخص توسعه انسانی؛ کشورهای در حال توسعه آسیایی؛ برآوردگر حداقل مربعات معمولی (OLS)

* نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۴

DOI: 10.22051/jwsp.2016.2556

مقدمه و بیان مسأله

امر توسعه فرآیندی پیچیده و همه‌جانبه است، و در سطح زندگی اجتماعی اقتصادی سیاسی و فرهنگی جامعه رخ می‌دهد بر اساس شواهد تاریخی، توسعه در عمل فرآیندی بی‌طرف نیست. چنانچه بر اساس آرورا^۱ (۲۰۱۲) قالب و مسیر آن تحت تأثیر جانبداری جنس‌گرایانه است. از این رو نقش و جایگاه زنان در فرآیند توسعه و بهره‌مندی آن‌ها از نتایج و پیامدهای آن، به بخش مهمی از مباحث رشد و توسعه اقتصادی تبدیل شده است. بر اساس مباحث پژوهش سفیری (۱۳۷۷) در حالیکه زنان حدود نیمی از جمعیت را به خود اختصاص می‌دهند، عمدتاً در برنامه‌های اقتصادی و توسعه، در کشورهای در حال توسعه، به‌طور کافی به آن‌ها توجه نشده است. توجه به این نیروی انسانی عظیم می‌تواند در بالا بردن سطح تولید و بهره‌وری بیشتر و رشد و توسعه کشور نقش بسیاری داشته باشد. به عبارت دیگر، بدون در نظر گرفتن نیمی از جامعه انسانی، یعنی زنان، نمی‌توان به توسعه همه‌جانبه و متوازن و پایدار دست یافت. زنان اهرم مؤثری در پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی به‌شمار می‌روند. مطالعات متعدد نظیر ابتکار (۱۳۷۷) نشان می‌دهد که دستیابی به توسعه پایدار بدون توسعه اقتصادی اجتماعی زنان^۲ در عرصه‌های مختلف زندگی امکان‌پذیر نیست. همچنین بر اساس مطالعه بلو^۳ (۱۹۹۸)، بین افزایش سطح زندگی اقتصادی اجتماعی زنان و توسعه‌یافتگی کشورهای توسعه‌یافته رابطه مثبتی وجود دارد.

با توجه به اینکه به‌طور تقریبی زنان نیمی از افراد هر جامعه را تشکیل می‌دهند، و از آنجایی که منابع انسانی پایه اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند، شرایط زنان به لحاظ اقتصادی و اجتماعی به عنوان بخشی از توسعه انسانی^۴ جوامع بشری از اهمیت فراوانی دارد. یکی از راهبردهای مهم در توسعه زنان، توانمندسازی زنان با تأکید بر این نکته است که مشارکت زنان صرفاً به معنای بهره‌مندی آن‌ها از مزایا و نتایج برنامه‌های توسعه نبوده، بلکه مشارکت فعال آن‌ها در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه است، که خود نیز مستلزم برنامه‌ریزی است.

-
1. Arora
 2. Socio-economic Development of Women
 3. Blau
 4. Human Development

چنانچه بر اساس پژوهش افشاری و شیبانی (۱۳۸۲)، افزایش توانمندی‌های زنان، از مسائل مهمی است که نیاز به توجه و برنامه‌ریزی بلند مدت دارد. در این ارتباط، یکی از شاخص‌های مهم و اثرگذار، شاخص آموزش است که در کنار سایر عوامل مؤثر نظیر ارتقاء سلامت، می‌تواند نقش به‌سزایی در امر توسعه داشته باشد. به‌عبارت دیگر، عوامل مربوط به سلامت و آموزش خود نیز بر سایر شاخص‌ها نظیر نرخ مشارکت آن‌ها در فرایندهای اداری اجرایی و سیاسی تأثیرگذار است، بهبود وضعیت زنان جزء الزامات اصلی در بهبود شاخص‌های توسعه در هر جامعه است. بالا رفتن سطح تحصیلات زنان در جامعه و اهمیت دادن به سلامت آن‌ها، فقط به معنای بالا رفتن سطح زندگی اجتماعی و فردی آن‌ها نیست. بلکه با توجه به اهمیت و نقش زنان در جامعه، از طریق مشارکت فعال آن‌ها در جامعه، و در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه به‌عنوان یکی از ابعاد توسعه و حتی زیربنای توسعه شناخته شده است. از این‌رو افزایش توانمندسازی^۱ زنان از مسائل مهمی است که نیاز به توجه و برنامه‌ریزی از جمله در آموزش و ارتقاء سلامت آن‌ها دارد. در حالیکه، فقدان توجه کافی به زنان در این عرصه‌ها و نادیده گرفتن توانایی‌های آن‌ها، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در مطالعات متعدد تأیید شده است. در مطالعه‌ای که توسط سازمان ملل^۲ (۲۰۰۲) انجام شد و در آن وضعیت و توانایی‌های نیروی انسانی در کشورهای عربی بررسی شد، استفاده نکردن صحیح از توانایی‌های زنان به‌عنوان مهمترین عامل در عملکرد ضعیف اقتصادی منطقه خاورمیانه در یافته‌های این تحقیق عنوان شد.

در این ارتباط، دولت‌ها، که از ابتدای قرن بیستم نقش‌های متعددی را در تأمین مالی و اداره جامعه به‌عهده داشته‌اند، می‌توانند با صرف مخارج اجتماعی بر آموزش و سلامت زنان در روند وضعیت زنان و توسعه جامعه اثرگذار باشند. بر اساس پژوهش اخوی (۱۳۷۴)، سیاست‌های مالی^۳ مجموعه‌ای از مخارج (هزینه‌ها)، و درآمدهای دولت (مالیات‌ها) است که از آن، برای هدایت و تأثیرگذاری بر اقتصاد جامعه استفاده می‌شود.

۱. پدیده توانمندسازی (Empowerment) را به معنای «اعطای قدرت قانونی» «اعطای اختیار» و «تواناسازی» معرفی کرده‌اند. در گفتمان توسعه، مفهوم توانمندسازی بیان‌کننده رویکرد توسعه‌ای «پایین به بالا» و توسعه درونزا است (زاهدی، ۱۳۸۸).

2. Human Development Report (UNDP)

3. Fiscal Policy

سیاست‌های مالی از طریق گرفتن مالیات، از یک طرف، موجب کاهش درآمدهای قشر ثروتمند جامعه شده و از سوی دیگر با هزینه این درآمدهای دولت از طریق مخارج اجتماعی زمینه‌های اشتغال و افزایش درآمد قشرهای کم درآمد جامعه را در بلندمدت فراهم کند. با اعمال سیاست‌های مالی در طرح‌های مطلوب اجتماعی نظیر سرمایه‌گذاری در آموزش، سلامت، امنیت و غیره، دولت‌ها زمینه و بستر فرصت‌های جدید شعلی را فراهم می‌کنند. ضمن آنکه از طریق سرمایه‌گذاری در آموزش، سلامت و افزایش درآمدهای اقشار خاصی نظیر زنان، امکان بهبود شرایط زنان بهتر فراهم شده و نابرابری‌های جنسیتی کاهش می‌یابد، بلکه زمینه‌های رشد اقتصادی کشورها نیز بیشتر مهیا می‌شود. براساس EPSU (۲۰۱۴)، از آنجا که سرمایه‌گذاری روی آموزش زنان سبب می‌شود تا زمینه‌های مناسب اشتغال برای زنان و دورنمای روشن آن بهتر فراهم شود، از این رو چنین سرمایه‌گذاری‌هایی سبب بهتر شدن شرایط زنان در کشورها می‌شود.

هدف از این تحقیق بررسی تأثیر مخارج اجتماعی دولت‌ها بر روند و سطح توسعه اقتصادی اجتماعی زنان^۱ در کشورهای منتخب آسیایی (شامل کشور ایران، هند، کویت، پاکستان، مالزی و ترکیه) طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۳ میلادی بود. به این منظور، اثر هزینه‌های اجتماعی دولت‌ها بر توسعه اقتصادی اجتماعی زنان از طریق تأثیر این مخارج بر ارتقاء شاخص‌های مهمی نظیر آموزش، بهداشت و سلامت زنان بررسی شد.

از این رو، منظور از توسعه اقتصادی اجتماعی زنان در این پژوهش، تحول و ارتقاء در شاخص‌های مهم آن نظیر آموزش (شامل نرخ ثبت‌نام، تحصیل در مقاطع عالی آموزشی و نرخ ترک تحصیل زنان در مقاطع مختلف تحصیلی) و شاخص‌های بهداشت و سلامت (شامل نرخ مرگ و میر زنان، نرخ باروری و غیره) زنان جامعه است.

سیاست مالی به مجموعه‌ای از اقدامات دولت در زمینه مخارج دولت، مالیات‌ها و پرداخت‌های انتقالی گفته می‌شود که برای رسیدن به مقاصد گوناگون به کار می‌رود (جعفری صمیمی، ۱۳۸۱) به لحاظ اقتصادی دولت با مخارج خود از سویی انگیزه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از سوی دیگر به طور مستقیم زیرساخت‌ها، آموزش و پرورش، بهداشت و توسعه انسانی را متأثر می‌کند.

1. Socio-Economic Development Of Women

در زمینه تأثیر مخارج دولت، نظریات مختلفی وجود دارد. اقتصاددانان کلاسیک نقش محدودی برای دولت قائل بودند و اعتقاد داشتند که نیروهای بازار در بلند مدت تعادل را به ارمغان خواهد آورد. آن‌ها نقش دولت را بسیار محدود می‌دانستند. ولی بعد از ارائه نظریات کینز، نقش دولت و کارایی سیاست‌های مالی در دنیا و علی‌الخصوص در کشورهای در حال توسعه مطرح شد. بارو^۱ (۱۹۹۰) در قالب الگوی رشد درون‌زا، افزایش هزینه‌های دولت تا مرحله خاصی (مرحله بهینه) را موجب تقویت و رشد اقتصادی و بیش از آن را واجد اثر معکوس می‌دانست. بر این اساس، اگر دولت در امور زیربنایی و آموزش هزینه کند، اثر آن بر رشد بلند مدت قوی خواهد بود.

استرلی و ربلو^۲ (۱۹۹۳) معتقد بودند مخارج زیربنایی بازده اجتماعی سرمایه‌گذاری‌های فعلی را افزایش می‌دهد.

از آنجا که در کشورهای در حال توسعه زیرساخت‌های رشد و توسعه به اندازه کافی شکل نگرفته‌اند و مشکلاتی نظیر درآمد سرانه پایین، سرمایه‌گذاری خصوصی اندک، تورم بالا، بیکاری گسترده، سطح بی‌سوادی و آموزش نامناسب و غیره سبب بروز شکاف عمده‌ای بین این کشورها و کشورهای توسعه یافته شده است، دخالت متعادل دولت ضروری است (بختیاری و محمود اوغلی، ۱۳۹۳). بدین ترتیب با توجه به عواملی نظیر شکست بازار، نبود تعادل‌ها و انعطاف ساختاری، نیاز به ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی اجتماعی، بهترین جایگزین همان دولت یا بخش عمومی است. در چنین شرایطی بر اساس مؤذن جمشیدی (۱۳۹۰)، باید مخارج دولت برای تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز در اقتصاد به کار گرفته شوند تا در کنار سرمایه‌گذاری‌های خصوصی بتوانند به افزایش توسعه و رفاه جامعه کمک کنند.

از این رو، به لحاظ اقتصادی دولت با مخارج خود از یک سو انگیزه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از سوی دیگر، به طور مستقیم زیرساخت‌ها، آموزش و پرورش، بهداشت و توسعه انسانی را متأثر می‌کند.

مخارج دولت معمولاً سهم ملاحظه‌پذیری از درآمد ملی را به خود اختصاص می‌دهد، اگر این مخارج به طور مناسب هزینه شود، می‌تواند موجبات تحریکات اقتصادی شود و به دنبال آن

1. Barro

2. Easterly & Rebelo

زمینه ایجاد رشد اقتصادی و توسعه و رفاه جامعه را فراهم آورد (شریفی و علیزاده، ۱۳۸۱). امروزه دولت‌ها در مسیر رشد و توسعه اقتصادی کشورها نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و در این زمینه مطالعات فراوانی درباره تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی انجام شده است. مخارج دولت در آموزش و بهداشت و سلامت، دو موردی است که دولت با حضور خود و برنامه‌ریزی نقش مهمی در زمینه‌سازی برای توسعه انسانی به عهده دارد. سرمایه‌گذاری برای آموزش، یک عامل کلیدی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی و لازمه توسعه انسانی است. بنابراین، هرگونه سرمایه‌گذاری‌های آموزشی از یک سو قابلیت‌های انسانی را ارتقاء می‌بخشد، و از سوی دیگر، نیروی کار را برای استفاده بهتر از فناوری جدید تولید مهیا می‌کند و به این ترتیب راه رشد و توسعه اقتصادی را برای کشورها هموار می‌کند.

بر اساس پژوهش عزیز (۱۳۸۷) به طور کلی انتظار می‌رود اعمال سیاست مالی توسط دولت اقتصاد را از چند طریق تحت تأثیر قرار دهد: ۱- از طریق افزایش نرخ سرمایه‌گذاری؛ ۲- افزایش امکانات و فرصت‌های شغلی؛ ۳- تشویق سرمایه‌گذاری‌های مطلوب اجتماعی؛ ۴- افزایش و بازتوزیع درآمد ملی و ۵- مقابله با تورم.

در ارتباط با تأثیر توسعه و اعمال سیاست‌های مالی بر بهبود شرایط زنان، اگرچه از منظر کلاسیک‌ها، وضعیت زنان در چهارچوب خانه و خانواده ترسیم می‌شد. و به همین لحاظ آموزش در آن جایگاه خاصی نداشت، نئولیبرال‌ها (یا نظریه‌های رشد خوش‌بینانه) بر این باور هستند که توسعه اقتصادی به دلیل ترغیب یکپارچگی اجتماعی، پشتیبانی از سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های اجتماعی و ایجاد فرصت‌های شغلی با درآمدهای نسبتاً بالاتر در بخش غیرکشاورزی، به بهبود شرایط زنان منجر می‌شود (سگوئینو^۱ و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۱) به‌طور مشابه، تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان محرک‌های رشد، سودآوری را در سطح جامعه بهبود، سطح فن‌آوری را ارتقاء و هنجارهای برابری جنسیتی را ترغیب می‌کند (ریچاردز^۲، ۲۰۰۷: ۸۵۵).

در این دیدگاه، توسعه اقتصادی از طریق توسعه بازار و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید سبب ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان در بازار کار می‌شود. ضمن اینکه به تدریج تبعیض در

-
1. Seguino
 2. Richards

زمینه‌های آموزش، دسترسی به منابع مالی، و بهره‌مندی از امکانات رفاهی را کاهش می‌دهد (رادول^۱: ۸: ۲۰۱۰). این دیدگاه به لحاظ تأکید بر نقش مثبت توسعه در کاهش نابرابری‌ها با دیدگاه جامعه‌شناسی مرتبط است که به حذف تدریجی نابرابری‌های اجتماعی اعتقاد دارد که ریشه آن در رفتار سنتی است. همچنین در این رویکرد برای سیاست‌های دولت به منظور بهبود وضعیت زنان در بازار کار از طریق بهبود سطوح آموزش و پرورش و آموزش حرفه‌ای زنان که سرمایه انسانی آنهاست، نقش مهمی قائل می‌شود (برانستین^۲، ۲۰۱۲: ۵۶).

در زمینه تأثیر مخارج دولت در سال‌های اخیر مطالعات مختلفی در این زمینه انجام شده است. رم^۳ (۱۹۸۶، ۱۹۸۹)، و کار^۴ (۱۹۸۹)، نشان دادند که افزایش اندازه‌های دولت سبب بهبود رشد اقتصادی می‌شود. در حالیکه رومر^۵ (۱۹۹۰)، به عکس نتیجه فوق دست یافت.

پریچت و سامرس (۱۹۹۶)، تأثیر مخارج دولت بر سلامت و آموزش در کشورهای مختلف را بررسی کردند. نتایج این مطالعه حاکی از ضعیف بودن این تأثیر در کشورهای صنعتی است. اگرچه این یافته‌ها در کشورهای در حال توسعه تأیید نشد. شوانگ لین^۶ (۲۰۰۷) نقش مخارج آموزشی را بر ساختار سرمایه انسانی بررسی کرد و به این نتیجه رسید که افزایش هزینه‌های دولت، نرخ بهره واقعی را افزایش می‌دهد. لذا این امر انگیزه سرمایه‌گذاری بر سرمایه انسانی را کاهش، ولی بهره‌وری را افزایش می‌دهد. پس اگر اثر نرخ بهره بر بهره‌وری مسلط شود، افزایش در مخارج آموزشی موجب کاهش سرمایه‌گذاری بر سرمایه انسانی می‌شود.

بر اساس گوپتا^۷ و همکاران (۱۹۹۹) مخارج دولت بر آموزش تأثیر بیشتری دارد تا بهداشت. دیویس^۸ (۲۰۰۹) اندازه دولت و توسعه انسانی را بررسی کرد. نتایج این مطالعه با تفکیک مخارج دولت به مخارج مصرفی و مخارج سرمایه‌گذاری بر توسعه انسانی، برای ۷۷

1. Radol
2. Braunstein
3. Ram
4. Carr
5. Romer
6. Shuang Lin
7. Gupta
8. Davies

کشور در طی ۷ سال نشان می‌دهد که اثرگذاری تغییرات مخارج سرمایه‌گذاری نسبت به تغییرات مخارج مصرفی بر توسعه انسانی نیازمند زمان طولانی‌تری است، مخارج مصرفی در بلند مدت از طریق بهبود آموزش و بهداشت، بهره‌وری و درآمد را افزایش دهند.

در زمینه تأثیر مخارج دولت بر زنان، چابان و کانینگهام^۱ (۲۰۱۱) در رساله خود تحت عنوان اندازه‌گیری منافع اقتصادی حاصل از سرمایه‌گذاری روی دختران: جنبه‌های اصلی فقدان استفاده از پتانسیل زنان در جامعه را برای سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۸ و ۱۴ کشور در حال توسعه محاسبه کردند. نتایج این مطالعه نشان داد که سرمایه‌گذاری روی دختران می‌تواند بر رشد تولید ناخالص داخلی اثر مثبتی داشته باشد؛ به طوری که رشد ۲ درصدی سالیانه در تولید نمودار شد. براساس این مطالعه، رشد تولیدی در اقتصاد با به کارگیری زنان جوان بین ۰/۸ تا ۵/۴٪ می‌تواند افزایش می‌یابد.

برادشاو^۲ (۲۰۱۳) در مطالعه خود با هدف مشخص کردن نقش مهمی که زنان می‌توانند در توسعه اقتصادی ایفا کنند؛ به حمایت از سرمایه‌گذاری روی زنان اقدام کرد، نتایج این مطالعه بیان‌کننده آن است که رشد اقتصادی لزوماً برابری جنسیتی را به ارمغان نمی‌آورد، در حالی که برابری جنسیتی باعث رشد اقتصادی می‌شود.

در ایران، قنبری و باسنا (۱۳۸۷) با بررسی اثر مخارج بهداشتی دولت بر رشد اقتصادی در ایران، با استفاده از داده‌های سری زمانی و الگوی خود توضیح‌برداری (VAR) برای سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۸۳ بر مثبت بودن ارتباط مخارج با رشد اقتصادی تأکید کردند.

افضلی ارانی و افضلی در سال ۲۰۱۰، در مقاله‌ای بر اساس مدل پنل پویا و با استفاده از تخمین زن گشتاورهای تعمیم‌یافته، ارتباط بین اندازه دولت و شاخص توسعه انسانی در کشورهای نفتی و کشورهای در حال توسعه غیرنفتی را طی دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۶ بررسی کردند، یافته‌های این مطالعه نشان‌دهنده ارتباط مثبت مخارج مصرفی و سرمای‌گذاری با شاخص توسعه انسانی در هر دو گروه از کشورهاست.

عزیزی (۱۳۸۷) در مطالعه خود، تأثیر سیاست مالی بر نرخ مشارکت زنان در ایران را طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۸۶ به‌طور تجربی آزمون کرد. با توجه به اینکه در ایران دولت در اقتصاد نقش

1. Chaaban & Cunningham

2. Bradshaw

مهمی دارد؛ ارزیابی اثر مخارج و درآمدهای دولت (سیاست مالی) بر فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی زنان ایران انجام شده است. براساس نتایج این مطالعه کل مخارج دولت بر نرخ مشارکت زنان مثبت و تأثیر درآمدهای دولت بر آن منفی بوده است. مقیمی (۱۳۸۹) در رساله خود تأثیر سیاست‌های مالی (مخارج دولت) بر توسعه انسانی در ایران را بررسی کرد. بر اساس نتایج به دست آمده دامنه تأثیر مخارج دولت در مناطق مختلف کشور برحسب استان برای سال ۷۵ است، هزینه‌های جاری و هزینه‌های عمرانی در حال تغییر است که دلیلی بر تأثیرات متفاوت سیاست‌های مالی بر توسعه انسانی در استان‌های مختلف ایران است.

در برخی دیگر از مطالعات که با هدف مشخص کردن نقش مهمی که زنان می‌توانند در توسعه اقتصادی از طریق افزایش اشتغال ایفا کنند، عوامل اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان در ایران بدون بررسی نقش دولت در این ارتباط بررسی شد. در این ارتباط، کریمی موعاری و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهش خود متغیرهای سطح تحصیلات زنان، مولید و ارزش افزوده صنعت را به عنوان تأثیرگذارترین متغیرها از بین موارد مورد بررسی معرفی کردند. همچنین، نتایج برخی پژوهش‌ها، نظیر اعظم آزاده و مهرآبادی (۱۳۹۳)، نشان می‌دهند که دستیابی به فرصت‌های شغلی بهتر و استقلال اقتصادی از مهم‌ترین عوامل گرایش دختران به تحصیلات عالی است.

در مجموع، نگاهی اجمالی به مطالعات گذشته نشان‌دهنده اختلاف نظر بسیار در نتایج تحقیقات مختلف است که این امر به نوع کشور، موقعیت آن و حتی نوع حضور دولت در اقتصاد و زیربخش‌های اقتصادی آن بستگی دارد. در ایران، تحقیقات بسیار محدودی تأثیر مخارج دولت (به‌طور کلی) و نه مخارج اجتماعی (به‌طور خاص) بر شاخص‌های زنان در ایران را بررسی کرده‌اند. مقاله حاضر به تحلیل تجربی اثر مخارج اجتماعی دولت بر توسعه اقتصادی زنان از طریق ارزیابی ارتقاء شاخص‌های مهمی نظیر آموزش، بهداشت و سلامت زنان اقدام می‌کند. به لحاظ نظری، انتظار بر این است که هرچه هزینه‌های اجتماعی افزایش یابد، این شاخص‌ها نیز بهبود یابد.

دو فرضیه اصلی آزمون شده در این تحقیق عبارت هستند از
مخارج اجتماعی دولت‌ها بر نرخ مرگ و میر^۱ و نرخ زاد و ولد^۱ زنان در کشورهای منتخب

1. Mortality

در حال توسعه و دوره مورد مطالعه تأثیر معناداری داشته است. تأثیر مخارج اجتماعی دولت‌ها بر نرخ آموزش زنان در کشورهای منتخب و دوره مورد مطالعه تأثیر معناداری داشته است.

روش پژوهش

داده‌های آماری استفاده شده در این تحقیق، داده‌های مربوط به آموزش و سلامت زنان و مخارج اجتماعی به صورت درصدی از GDP^۲ (به قیمت‌های ثابت) در کشورهای مورد مطالعه بوده است. قلمرو مکانی این تحقیق، کشورهای جنوب و جنوب‌شرق و غرب آسیا و شامل شش کشور ایران، هند، کویت، پاکستان، مالزی و ترکیه بودند که شاخص توسعه انسانی آن‌ها در محدوده متوسط و بالا قرار می‌گیرد و جزء کشورهای در حال توسعه هستند. کشورهای فوق با توجه به دسترسی به داده‌ها و اطلاعات آن‌ها انتخاب شدند. لذا آمارها، برای بررسی شاخص سلامت هر ۶ کشور در حال توسعه آسیایی، و برای بررسی شاخص آموزش فقط برای ۳ کشور در حال توسعه آسیایی وجود داشت و برآوردها برای این کشورها انجام شده است. لذا این امر از محدودیت‌های این تحقیق به‌شمار می‌رود.

آمارهای استفاده شده در این تحقیق، داده‌های مربوط به آموزش و سلامت زنان و GDP سرانه ثابت کشورهای موردنظر است که به صورت سری زمانی، از داده‌های بانک جهانی^۳ (سال‌های مختلف) استخراج شده و دوره زمانی این پژوهش سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۳ است.

مدل به‌کار گرفته شده در این تحقیق نظیر مطالعه لویز (۲۰۰۲) و همچنین لافرامبویس و ترومبیک^۴ (۲۰۰۳) رگرسیون دو و سه متغیره است. ارتباط بین این متغیرها با استفاده از داده‌های سری زمانی تست شده است. برای تجزیه و تحلیل اقتصادسنجی، داده‌های آماری از نرم‌افزار Eviews6 استفاده شد. شایان ذکر است که استفاده از لگاریتم خطی از لحاظ آماری رگرسیون بهتری تولید می‌کند؛ استفاده از لگاریتم این مزیت را دارد که تغییرات در هر دو متغیرهای وابسته و مستقل را می‌توان به صورت درصد تغییرات خواند. همچنین مدل

-
1. Fertility
 2. Gross domestic product
 3. World Development Indicators (WDI)
 4. Laframboise And Trumbic



رگرسیون لگاریتم طبیعی^۱ بر این فرض استوار است که لگاریتم طبیعی متغیر از یک توزیع نرمال با میانگین μ_i و واریانس σ^2 پیروی می‌کند. در تحقیق حاضر، به عنوان مدل پایه از الگوی OLS^۲ خطی استفاده شد. معادله پایه استفاده شده در پژوهش حاضر به شرح زیر است:

$$\log(\text{mortality}_i) = \alpha_i + \beta_j \log(X_i) + \varepsilon_{ij}$$

$$\log(\text{fertility}_i) = \alpha_i + \beta_j \log(X_i) + \varepsilon_{ij}$$

$$\log(\text{enrollment}_i) = \alpha_i + \beta_j \log(X_i) + \varepsilon_{ij}$$

در روابط فوق،

mortality: نرخ مرگ و میر زنان بزرگسال (در هر هزار زن بزرگسال)

fertility: نرخ باروری (میانگین تعداد تولد فرزند برای جامعه زنان آن جامعه)

enrollment: نرخ ثبت نام آموزش ثانویه زنان آن جامعه نسبت به مردان

X_i : مخارج اجتماعی دولت به عنوان درصدی از GDP سرانه، به قیمت ثابت

قبل از برآورد مدل‌ها، لازم است تا آزمون‌های ریشه واحد به منظور اطمینان از مانا بودن سری‌های زمانی انجام شود. آزمون ریشه واحد معمولی‌ترین آزمونی است که امروزه برای تشخیص پایایی یک فرایند سری زمانی درباره متغیرها استفاده می‌شود. که از جمله آن آزمون KPSS^۳ است که در این مقاله از آن استفاده (گجراتی، ۱۳۸۷)

پس از برآورد مدل، به منظور اطمینان از صحت نتایج و اطمینان‌پذیر بودن یافته‌ها، برای تجزیه و تحلیل از یکسری آزمون‌های تشخیصی استفاده شد که عبارت هستند از آزمون ناهمسانی واریانس برای آزمون پسماندهای حاصل از رگرسیون به کار برده شد. نبود خودهمبستگی یکی از فروض کلاسیک است که معمولاً برای سهولت در محاسبات در نظر می‌گیریم، اما اگر رگرسیون دارای مشکل خودهمبستگی باشد یا به عبارتی در طرف راست معادله، متغیر وابسته تأخیری باشد، از این آزمون استفاده می‌شود (توکلی، ۱۳۷۸).

-
1. Lognormal Regression
 2. Ordinary Least Squares
 3. Kwiatkowski–Phillips–Schmidt–Shin

نتایج آزمون ایستایی متغیرها

جدول ۱: نتایج حاصل از آزمون ایستایی متغیر مخارج اجتماعی در سطح برای شش کشور منتخب

مقادیر t نام کشور	مقدار t برای آزمون KPSS	مقدار t در سطح بحرانی ۱٪	مقدار t در سطح بحرانی ۵٪	مقدار t در سطح بحرانی ۱۰٪
ایران	۰/۴۱۴	۰/۷۳۹	۰/۴۶۳	۰/۳۴۷
هند	۰/۱۹۲	۰/۲۱۶	۰/۱۴۶	۰/۱۱۹
کویت	۰/۶۲۸	۰/۷۳۹	۰/۴۶۳	۰/۳۴۷
پاکستان	۰/۶۷۷	۰/۷۳۹	۰/۴۶۳	۰/۳۴۷
مالزی	۰/۱۶۶	۰/۲۱۶	۰/۱۴۶	۰/۱۱۹
ترکیه	۰/۱۸۴	۰/۲۱۶	۰/۱۴۶	۰/۱۱۹

(منبع: یافته‌های تحقیق)

جدول ۲: نتایج حاصل از آزمون ایستایی متغیر سلامت در سطح برای شش کشور منتخب

مقادیر t نام کشور	مقدار t برای KPSS	مقدار t در سطح بحرانی ۱٪	مقدار t در سطح بحرانی ۵٪	مقدار t در سطح بحرانی ۱۰٪
ایران	۰/۶۷۲	۰/۷۳۹	۰/۴۶۳	۰/۳۴۷
هند	۰/۱۲۷	۰/۲۱۶	۰/۱۴۶	۰/۱۱۹
کویت	۰/۲۰۹	۰/۲۱۶	۰/۱۴۶	۰/۱۱۹
پاکستان	۰/۶۶۱	۰/۷۳۹	۰/۴۶۳	۰/۳۴۷
مالزی	۰/۲۰۶	۰/۲۱۶	۰/۱۴۶	۰/۱۱۹
ترکیه	۰/۶۷۹	۰/۷۳۹	۰/۴۶۳	۰/۳۴۷

(منبع: یافته‌های تحقیق)



جدول ۳: نتایج حاصل از آزمون ایستایی متغیر آموزش در سطح برای شش کشور منتخب

مقادیر t	مقدار t برای آزمون	مقدار t در سطح	مقدار t در سطح	مقدار t در سطح
نام کشور	KPSS	بحرانی ۱٪	بحرانی ۵٪	بحرانی ۱۰٪
ایران	۰/۱۹۰	۰/۲۱۶	۰/۱۴۶	۰/۱۱۹
هند	۰/۶۶۲	۰/۷۳۹	۰/۴۶۳	۰/۳۴۷
کویت	۰/۵۵۹۶	۰/۷۳۹	۰/۴۶۳	۰/۳۴۷
پاکستان	-	-	-	-
مالزی	-	-	-	-
ترکیه	-	-	-	-

(منبع: یافته‌های تحقیق)

نتایج آزمون ایستایی^۱ تمامی متغیرها، که در آن‌ها مانایی بررسی شده در جداول ۱-۳ ارائه شده است. چنانچه مقدار آماره t برای KPSS از مقدار t برای هر یک از سطوح بحرانی کم‌تر باشد، یعنی در آن سطح اطمینان، متغیر مورد نظر در سطح ایستاست. بر اساس نتایج به دست آمده که در جداول فوق نشان داده شده، تمامی متغیرها در سطح ایستا هستند.

یافته‌های پژوهش

در مرحله بعد، برآوردها می‌تواند انجام شود. نتایج حاصل از تخمین مربوط به متغیر سلامت برای شش کشور ایران، هند، کویت، پاکستان، مالزی و ترکیه در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج حاصل از برآورد مدل مربوط به متغیر سلامت

متغیر مستقل نام کشور	ضریب $\log(x)$	آماره t مربوط به ضریب $\log(x)$	Prob مربوط به ضریب $\log(x)$	ضریب تشخیص R^2	مقدار آماره دوربین واتسون
ایران	۰/۲۵۰۶۹۴	-۱۶/۲۶۹۷۱	۰/۰۰۰۰	۰/۹۸۲۶۹	۲/۰۴۰۰۸۳
هند	-۰/۲۱۷۱۹	-۲۰/۸۹۱۱۱	۰/۰۰۰۰	۰/۹۸۵۶۰۲	۲/۰۰۴۶۰۷
کویت	-۰/۰۷۳۷۳	-۳/۲۴۶۰۹۳	۰/۰۰۲۹	۰/۹۴۳۶۲۳	۰/۸۹۹۸۲۱
پاکستان	-۰/۶۷۱۰۴	-۱۱/۲۲۵۷۶	۰/۰۰۰۰	۰/۹۹۳۶۲۹	۱/۶۱۴۱۶۶
مالزی	-۰/۳۱۸۴۳۱	-۹/۵۶۳۹۸۹	۰/۰۰۰۰	۰/۹۷۰۳۷۷	۱/۷۷۲۶۱۱
ترکیه	-۰/۱۰۹۰۳۹	-۲/۶۸۴۵۴۲	۰/۰۱۲۱	۰/۹۹۹۹۷۷	۱/۸۵۷۹۲۵

(منبع: یافته‌های تحقیق)

در جدول ۵ نیز نتایج حاصل از برآورد مدل مربوط به متغیر آموزش فقط برای سه کشور ایران، هند و کویت گزارش شده است (چنانچه قبلاً بحث شد، نبود داده‌های متغیر مربوطه برای سایر کشورها دلیل این امر بوده است).

جدول ۵: نتایج حاصل از برآورد مدل مربوط به متغیر آموزش

متغیر مستقل نام کشور	ضریب $\log(x)$	آماره t مربوط به ضریب $\log(x)$	Prob مربوط به ضریب $\log(x)$	ضریب تشخیص R^2	مقدار آماره دوربین واتسون
ایران	۰/۱۲۱۲۹۱	۲/۶۱۷۴۴۹	۰/۰۱۴۱	۰/۹۷۸۸۱۹	۲/۰۳۶۹۶۸
هند	۰/۲۶۶۱۳۹	۳۱/۸۷۸۰۵	۰/۰۰۰۰	۰/۹۸۳۳۱۰	۱/۷۳۵۳۰۵
کویت	۰/۲۲۲۲۸۴	۳/۳۹۸۰۷۶	۰/۰۰۲۱	۰/۹۴۰۳۰۵	۲/۰۵۵۶۹۶
پاکستان	-	-	-	-	-
مالزی	-	-	-	-	-
ترکیه	-	-	-	-	-

(منبع: یافته‌های تحقیق)

نتایج حاکی از آن است که تأثیر مخارج اجتماعی دولت بر شاخص سلامت برای تمام کشورها به جز کویت تأثیر معناداری بوده است. درباره تأثیر مخارج اجتماعی دولت بر شاخص آموزش برای تمامی کشورهای مورد آزمون این تأثیر مثبت و معنادار حاصل شده است.

در جدول ۶ و ۷ نتایج حاصل از تست‌های تشخیصی مربوط به برآورد متغیر سلامت و آموزش برای کشورهای مورد مطالعه نشان داده شده است. نتایج بیان‌کننده آن است که در متغیر آموزش، در هر سه کشور بررسی شده همبستگی بین جملات پسماند وجود ندارد. در آزمون‌های تشخیص ناهمسانی واریانس، طبق آزمون آرچ در تمامی متغیرهای آموزش و سلامت، تمامی کشورهای بررسی شده، ناهمسانی واریانس وجود نداشته است (کلیه نتایج بر اساس تست‌های تشخیصی به عمل آمده و اعتبار نتایج تحلیل شده هستند).

جدول ۶: نتایج حاصل از آزمون‌های تشخیصی مربوط به متغیر سلامت برای شش کشور منتخب

نام کشور	Serial correlation $n \cdot R^2$	Arch $n \cdot R^2$
ایران	۰/۰۰۰۰	۰/۱۵۱۸
هند	۰/۶۰۶۰	۰/۸۶۶۳
کویت	۰/۰۰۰۰	۰/۱۶۵۶
پاکستان	۰/۰۵۰۸	۰/۹۰۴۶
مالزی	۰/۰۱۱۱	۰/۸۸۸۷
ترکیه	۰/۴۵۳۸	۰/۶۱۶۷

(منبع: یافته‌های تحقیق)

جدول ۷: نتایج حاصل از آزمون‌های تشخیصی مربوط به متغیر آموزش برای شش کشور منتخب

نام تست و Prob	Serial correlation $n \cdot R^2$	Arch $n \cdot R^2$
نام کشور		
ایران	۰/۵۵۰۱	۰/۶۸۸۰
هند	۰/۴۲۸۵	۰/۵۹۹۷
کویت	۰/۶۰۱۷	۰/۵۷۵۵
پاکستان	-	-
مالزی	-	-
ترکیه	-	-

(منبع: یافته‌های تحقیق)

بحث و نتیجه‌گیری

اگرچه توسعه‌یافتگی تنها از طریق رشد اقتصادی رخ نمی‌دهد، ولی به‌طور قطع رشد اقتصادی یکی از معیارهای توسعه به‌شمار می‌رود. با افزایش رشد اقتصادی و تداوم و ثبات آن، دولت‌ها امکان آن‌را می‌یابند که از طریق اعمال سیاست‌های مالی مناسب و با افزایش مخارج اجتماعی برای هدایت و تأثیرگذاری بر اقتصاد جامعه، تأثیرگذاری کنند، با سرمایه‌گذاری‌های درست، زمینه‌های اشتغال و افزایش درآمد قشرهای کم درآمد جامعه را در بلند مدت فراهم کنند. امروزه دولت‌ها می‌توانند با فراهم‌سازی زمینه‌های توانمندسازی زنان از طریق افزایش مخارج اجتماعی بر آموزش و سلامت زنان، ضمن توانمندسازی زنان از طریق ارتقاء شرایط آن‌ها، به اهداف توسعه به‌صورت سریع‌تر و بهتر دست یابند.

با توجه به نتایج به‌دست آمده در این تحقیق، درباره‌ی متغیر آموزش، که سطح تحصیلات ابتدایی و متوسطه زنان در کشورهای بررسی شده، بیان‌کننده آن است که تأثیر مخارج دولت بر متغیر آموزش برای هر سه کشور مثبت و معنادار بوده است، اما در ارتباط با این متغیر در ایران که شاخص توسعه انسانی بالاتری دارد ضریب نسبتاً کوچک است. در واقع، دوره تحصیلات ۱۲ ساله در ایران به صورت پیش فرض رایگان است و تمامی دختران از آن بهره‌مند هستند.

شاید تنها سطح کیفی آموزش در این مقاطع بین نواحی مختلف کشور فرق کند، پس اگر هم مخارج دولت روی سطح آموزش زنان در ایران بخواهد تأثیر فوق العاده‌ای بگذارد، ممکن است تأثیر خود را در مقاطع تکمیلی بیشتر نشان دهد.

به‌طور کلی نتایج حاصله با توجه به مباحث مطرح شده در قسمت نظری مقاله قابل انتظار است. درباره کشورهای در حال توسعه، به‌نظر می‌رسد که هرچه با شاخص توسعه انسانی بالاتری روبرو باشیم، تأثیر مخارج دولت بر سطوح ابتدایی توسعه زنان کم‌تر است. اما هرچه شاخص توسعه پایین‌تر است اثر خرج کرد دولت روی سطوح ابتدایی بهداشت و سلامت واضح‌تر است. این نتایج با یافته‌های تحقیقات مورثی^۱ و همکاران (۱۹۹۵)، لافرامبویس و ترمبیک^۲ (۲۰۰۳) و اسمیت^۳ (۲۰۰۰) همسو است مبنی بر اینکه اثر مخارج دولت بر آموزش و سلامت در کشورهای دارای شاخص توسعه انسانی پایین‌تر به مراتب بیشتر از کشورهای با شاخص توسعه انسانی بالاتر است.

از آنجا که تأثیر مخارج اجتماعی دولت روی متغیر سلامت در این پژوهش، از طریق متغیر مربوط به نرخ مرگ و میر زنان بررسی شد، لذا انتظار می‌رود ضریب $\log(x)$ منفی باشد، (زیرا نسبت مخارج دولت با نرخ مرگ و میر نسبت عکس دارد). به این معنا که هرچه مخارج اجتماعی دولت افزایش داشته باشد، انتظار می‌رود نرخ مرگ و میر زنان کاهش یابد؛ کاهش نرخ مرگ و میر تنها با افزایش سطح بهداشت عمومی و ارتقاء سطح آگاهی زنان در آن جامعه رخ می‌دهد. لذا واضح است که این تأثیر از سایر شاخص‌ها تنها تأثیر مستقل نیست و همه عوامل به‌طور زنجیروار بر روی هم اثر دارند.

یافته‌های حاصله درباره ایران بیان‌کننده آن است که تأثیر مخارج بر متغیر سلامت تأثیر مثبت داشته، ایران با شاخص توسعه انسانی^۴ ۰/۷۹۵ جزء کشورهای در حال توسعه با سطح توسعه بالا است. معمولاً در کشورهای در حال توسعه‌ای که جزء سطح بالا هستند، تأثیر مخارج دولت روی متغیر سلامت زنان مثبت هست، اما این تأثیر خیلی قوی نیست؛ چون که در این کشورها سطح بهداشت عمومی برای همه افراد جامعه سطح مقبولی است و تقریباً تمامی مردم دسترسی به سطح ابتدایی بهداشت و سلامت عمومی را دارند و تأثیر مخارج

1. Murthi

2. Laframboise, And Trumbic

3. Smith

۴. اعداد مربوط به شاخص توسعه انسانی کشورها تماماً از گزارش سال ۲۰۱۰ سازمان ملل متحد گرفته شده است.

دولت در کشورهایی که فقیرتر هستند روی متغیر سلامت شاید بیشتر باشد. مورثی^۱ و همکاران (۱۹۹۵) و اسمیت^۲ (۲۰۰۰) نیز در رابطه با تأثیر مخارج روی فاکتور سلامت درباره کشورهای در حال توسعه به نتایج مشابهی رسیده‌اند. با این حال وجود مشکل خودهمبستگی باعث شده که این نتیجه برای ایران چندان مقبول نباشد.

درباره هند، این تأثیر مثبت و معنادار است، هند با شاخص توسعه انسانی ۰/۵۱۹ در سطح متوسط قرار می‌گیرد، پرواضح است که در این شرایط مخارج دولت می‌تواند تأثیر نسبتاً خوبی بر بهداشت عمومی زنان جامعه‌ای بگذارد که اکثریت آن را طبقه پایین جامعه تشکیل می‌دهد (مورثی و همکاران، ۱۹۹۵)

درباره کویت نیز این تأثیر مثبت و معنادار است. همان‌طور که از نتایج پیداست در بین کشورهای مورد بررسی کم‌ترین تأثیر مخارج روی سلامت در این کشور مشاهده می‌شود. کویت با شاخص ۰/۷۷۱، از شاخص توسعه انسانی نسبتاً بالایی بهره‌مند است، از این‌رو دور از انتظار نیست که مخارج دولت تأثیر کمی بر بهبود نرخ مرگ و میر زنان جامعه داشته باشد. درباره پاکستان با شاخص توسعه انسانی ۰/۴۹۰، این تأثیر بیشتر از سایر کشورها مشاهده می‌شود. درباره مالزی و ترکیه نیز با شاخص توسعه انسانی در سطح بالا (مالزی، ۰/۷۴۴، ترکیه، ۰/۶۷۹) همان‌طور که از نتایج نیز پیداست، تأثیر مخارج اجتماعی دولت بر متغیر سلامت زنان آن‌ها، تأثیر مثبت و معناداری است (شایان ذکر است که تمامی کشورها با شاخص متوسط و بالا در زمره کشورهای در حال توسعه به شمار می‌روند). همان‌طور که مشاهده می‌شود این تأثیر، روی کشورهای با شاخص متوسط بیشتر و پررنگ‌تر است و درباره کشورهای با توسعه بالا کم‌تر است.

در مجموع، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، در کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه، با اینکه مخارج دولت روی فاکتورهای سلامت و آموزش زنان مؤثر بوده است؛ به نظر می‌رسد که دولت تنها عامل تأثیرگذار بر توسعه زنان نیست. عوامل نظیر دین، فرهنگ، اجتماع، تمدن و اعتقادات نیز از جمله عوامل اثرگذار بر سطح زندگی زنان، در این کشورهای در حال توسعه به‌شمار می‌رود.

1. Murthi

2. Smith

منابع

- ابتکار، معصومه (۱۳۷۷). جنسیت، تحلیل جنسیت و توسعه نیافتگی. فصل نامه فرزانه، شماره ۹، صفحه ۴۲-۶۱.
- اخوی، احمد (۱۳۷۴). اقتصاد کلان، پایه‌ای و کاربردی، تهران: مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- اعظم آزاده، منصوره و فلاح مهرآبادی، سمیه (۱۳۹۳). بررسی علل گرایش دختران به تحصیلات عالی، مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، سال ۱۲، شماره دوم.
- ازکیا، عباس (۱۳۸۳). نظریه‌های توسعه نیافتگی. خبرنامه علوم اجتماعی، ۱(۱): ۱۸۳.
- افشاری، زهرا و شیبانی، ابراهیم (۱۳۸۲). نابرابری جنسیتی و توسعه اقتصادی در ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، ۶۲، صفحه ۱۷۴-۱۵۱.
- افضلی ارانی و افضلی (۱۳۸۹). اندازه بین دولت و توسعه انسانی (مقایسه در بین کشورهای اوپک و غیر اوپک). فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۳۶، ص ۱۳-۲۲.
- بختیاری، صادق و محمود اوغلی، سجاد (۱۳۹۳)، مدلسازی توزیع درآمد برای ایران: مقایسه الگوی داگوم با چند مدل منتخب، فصلنامه مدلسازی اقتصادی، ۸(۲)، ۲۶: ۱-۲۰.
- پژویان، جمشید (۱۳۷۳). اقتصاد بخش عمومی، تهران: تربیت مدرس.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۰). توسعه اقتصادی در جهان سوم، چاپ سیزدهم، ترجمه غلامعلی فرجاد، تهران: کوهسار.
- توکلی، اکبر (۱۳۷۸). اقتصاد سنجی کاربردی، چاپ اول، اصفهان: مانی.
- جعفری صمیمی، احمد (۱۳۸۱). اقتصاد بخش عمومی، چاپ دوم، تهران: سمت.
- جعفری، کبری (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر حضور زنان در مشاغل بخش خصوصی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان، دانشگاه الزهراء، تهران.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد (1388). نقش سازمان‌های غیر دولتی در توسعه پایدار، تهران: مازیار.

زندى حقیقی، منوچهر (۱۳۴۳). *اقتصاد مالیه عمومی*، تهران: دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی.

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۴). *زنان و توسعه. نشریه اقتصادی اجتماعی*، شماره ۵. شریفی، نورالدین و علیزاده، محمد (۱۳۸۱). اثر مخارج دولت بر اقتصاد منطقه با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی، مطالعه ی موردی استان گلستان. *فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران*، شماره ۱۳.

سفیری، خدیجه (۱۳۷۷). *جامعه شناسی اشتغال زنان*، چاپ اول، تهران: تیان. عزیزى، فیروزه (۱۳۸۷). بررسی تأثیر سیاست های مالی بر نرخ مشارکت زنان در ایران. *مجله علمی پژوهشی تحقیقات زنان*، سال دوم، شماره ۳.

قنبری، علی و باسحا، مهدی (۱۳۸۷). بررسی اثرات تغییر هزینه بهداشتی دولت بر رشد اقتصادی ایران (سال های ۸۳-۱۳۳۸)، *تحقیقات اقتصادی*: ۸۳: ۱۸۷- ۲۲۴. کریمی موعاری، زهرا، نظیفی نائینی، مینو و عباسپور، سحر (۱۳۹۲)، عوامل اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان در ایران، *مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان*، سال ۱۱، شماره سوم. گجراتی، دامودار (۱۳۸۷). مبانی اقتصاد سنجی، جلد دوم، چاپ دوم، ترجمه حمید ابریشمی، تهران: دانشگاه تهران.

مقیمى، مریم (۱۳۸۹). *تأثیر سیاست های مالی بر توسعه انسانی در ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی، دانشگاه اصفهان، اصفهان.

موزن جمشیدی، سیده هما، مقیمی، مریم و اکبری، نعمت الله (۱۳۹۰). تجزیه و تحلیل اثرات سبب دولت بر توسعه انسانی در کشورهای اسلامی. *فصلنامه مطالعات شهری و منطقه ای*، شماره ۸، ص ۹۵-۱۱۶.

نوفروستی، محمد و عرب مازار، عباس (۱۳۷۵). *یک الگوی اقتصادسنجی کلان برای ایران*. فصل نامه معاونت اقتصادی، ۱۲.

Arora, R. (2012). Gender Inequality, Economic Development, And Globalization: A State Level Analysis Of India. *The Journal Of Developing Areas*, 51(3); 352-311.

- Barro, R. J.(1990). Government Spending In A Simple Model Of Endogenous Growth, *Journal Of Political Economy*, 98: 103-124
- Blau, F.D (1998). Woman's Role In Economic Development. *Journal Of Economic Literature*, Vol,36, No 18.
- Bradshaw, Sarah And Castellino, Joshua And Diop, Bineta (2013). *Women's Role In Economic Development*. Sustainable Development Solutions Network.
- Braunstein, E. (2012). Neoliberal Macroeconomics. A Consideration Of Its Gendered Employment Effects, *Unrisd Research Paper 2012-1*, Geneva: Unrisd.
- Carr, J. L. (1989). Government Size And Economic Growth: A New Framework And Some Evidence From Cross-Section And Time-Series Data: Comment. *The American Economic Review*, 79, 267-271. Retrieved From <http://www.gpo.gov/fdsys/search/pagedetails.action?granuleid=&packageid=Budget-1996-Bud&from>
- Chaaban, Jad And Cunningham, Wendy (2011). Measuring The Economic Gain Of Investing In Girls. Policy Reserch Working Paper 5753.
- Charles, Maria (1992). Cross-Natioanal Variations In Accupational Sex Segregation. *American Sociological Review*, 57.
- Davise, A. (2009). Human Development And The Optimal Size Of Government. *Journal Of Socio-Economic*,38, 326-330.
- Easterly, William, And Sergio Rebelo.(1993). Fiscal Policy And Economic Growth: An Empirical Investigation. *Journal Of Monetary Economics*,32(3): 417-58.
- EPSU, (European Public Service Unit) And Psi (Public Service International) (2014). *Why We Need Public Spending*, A Report, By The Public Service International Research Unit, May.
- Funk, Patricia (2008). Gender Gaps In Policy Making: Evidence From Direct Democracy In Switzerland. Stanford University.
- Gupta, Sanjeev,. Verhoeven, M. & Tiongson, E (1999). Does-Higher Government Spending Buy Better Results In Education And Health Care?. *Imf Working* (Washington:International Monetary Fund), Paper 99/21.
- Laframboise, Nicole & Trumbic, Tea (2003). The Effects Of Fiscal Policies On The Economic Development Of Women In The Middle East And North Africa. *Imf Working Paper*, International Monetary Fund.
- Lopes, Paulo Silva (2002).A Comparative Analysis Of Government Social Spending Indicators And Their Correlation With Social Outcomes In Sub-Saharan Africa. *Imf Working* (Washington: International Monetary Fund), Paper 02/176.
- King Elizabeth M And Anne Hill M (1998).*Women's Education In Developing*

- Countries Barriers, Benefits, And Policies*. Baltimore: Published For The World Bank [By] The Johns Hopkins University Press.
<https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=Dl8usgzj8yic&oi=fnd&pg=pr12&dq=king>
- Mallorca, Palma De (1995). *Activate Welfare State Policies And Women Labor Participation In Spain*. De Les Balears University.
- Mankar, V.G (1997). Public Finance Foreign Trade And Development.
- Murthi, M-A-C. Gurio & Dreze, J (1995). Mortality, Fertility, And Gender Bias In India: A District-Level Analysis. *Population And Development Review*,21(4).
- Pritchelt, L. And Summers, L. (1996). Wealthier, Healthier, *Journal Of Human Resources*. 31(4): Pp 841-68
- Public Services International Research Unit (2014). Why We Need Public Spending. A Report For Epsu & Psi.
- Ram, Rati. (1986). Government Size And Economic Growth: A New Framework And Some Evidence From Cross-Section And Time-Series Data. *American Economic Review* 76: 191-203.
- Ram, Rati. (1989). Government Size And Economic Growth: A New Framework And Some Evidence From Cross-Section And Time-Series Data: Reply. *The American Economic Review*,79: 281-84.
- Ram, R. (1996). Government Size And Economic Growth; A New Framework And Some Evidence From Cross Section And Time-Series Data. *American Economic Review*,76(1): 191-203.
- Radol, Cristina. (2012). Theoretical Debates On The Concept Of Gender Equality. *Journal Of Community Positive Practices*. 1; 5-17.
- Romer, P. M. (1990) Endogenous Technological Change, *Journal Of Political Economy*, 98, S71-S102.
- Richards, D.& Gelleny, R. (2007). Women's Status And Economic Globalization. *International Studies Quarterly*, 51 (4); 855-876.
- Seers, Dudley (1993). The Meaning Of Development In The Political Economy Of Developing And Underdevelopment. Newyork,1473.
- Seguino, S & Were, M. (2014). Gender, Development, And Growth In Sub Saharan Africa. *Journal Of African Economies, Forthcoming*, 23(1); 18-61.
- Shuanglin Lin, Xiaodong Zhu (2007). *Private Enterprises And China's Economic Development*, Routledge, Taylor And Francis.
- Smith, Terence (2000). "Women And Tax In South Africa" In The Women's Budget Series, 2000 Issues, Capetown, Idasa.



- Tansel, Aysit (2002). "Economic Development And Female Labor Force Participation In Turkey". Department Of Economics, Middle East Technical University.
- United Nations Development Program (Undp) (2002). "*Human Development Report*". New York: Oxford University Press.
- Wagner, Adolph (2011). "*Public Expenditure: Theories And Growth*". Third Edition.
- Walby, Sylvia (2009). "*Gender And Financial Crisis*". Paper For Unesco Project.
- World Bank (2013). "*World Development Indicators*". Washington, D.C.



نویسندگان

s.a.roshan@alzahra.ac.ir

صدیقه عطرکار روشن

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء (س)

m.noorian.k@gmail.com

مریم نوریان

کارشناس ارشد توسعه اقتصادی دانشگاه الزهراء

sh_shirinbakhsh@yahoo.com

شمس الله شیرین بخش

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء (س)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

A Study on The Impact of Government Social Spending On Women's Economic Development (With Emphasis On Education and Health), among Selected Asian Countries

Sedigheh Atrkar Roshan¹
Maryam Noorian²
Shamsollah Shirinbakhsh³

Abstract

Extensive studies in human development show that achieving sustainable human development without considering social and economic development of women in different aspects of life would not be possible. Regarding the situation of women in different societies, the importance of the issue appears to be more important in developing countries. Considering the key role of governments, the impact of government fiscal policy on economic and social development of women is expected to have a positive influence in women's situation in developing countries. The purpose of this study is to evaluate the impact of fiscal policy on women's social and economic development of the selected developing countries in Asia, including Iran during the years 1980-2013. For this purpose, the ordinary least squares estimation method (OLS) was applied, using Eviews software. The regression equations for all selected Asian developing countries are then estimated.

1. Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran

2. M.A in Economic Development and Programming, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran

3. Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran

DOI: 10.22051/jwsps.2016.2556

Submit Date: 2016/3/14

Accept Date: 2016/10/25

KeyWords

Fiscal Policy; Government Social Spending; Women Economic Development; Human Development Index; Asian Developing Countries; Ordinary Least Squares Estimation Methods (OLS)

